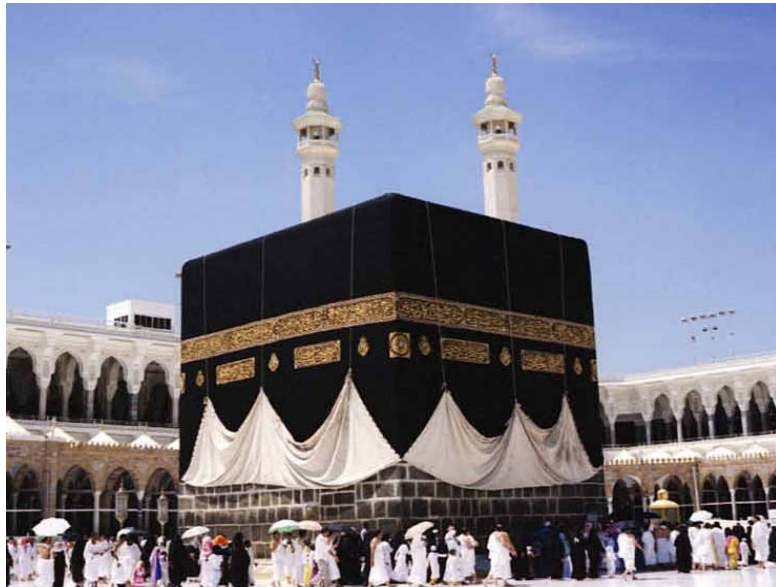


# ۵۔ کتاب حج

تعدادی زیادی از مقتدیان محترم مسجد شریف شهر آرغوس و حومه آن در دنمارک از بنده تقاضا نمودند تا در مورد حج که یکی از ارکان پنجگانه اسلام میباشد یک کتاب مستند و مؤثق بدسترس ایشان قرار بدهم . بناً بنده با استفاده از تعطیلات تابستانی بخش حج را از کتاب وزین بنام فقه میسر- بر فقه امام اعظم ابوحنیفه النعمان - که خدا رحمت ابدی اش کند - در کمپیوتر تایپ نموده و بدسترس علاقمندان قرار میدهم. امید مورد استفاده هموطنان گرامی مان قرار گیرد.

بالاحترام/احمدشاه قیومی



Ahmadshah612@hotmail.com

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ ﴿٩٤﴾

خدای متعال فرموده است:

- و خدای را بر مردم حج خانه کعبه است، برای کسی که به سوی آن توانایی توشه راه دارد، و هر کس کفر ورزید پس به تحقیق که خداوند از عالمیان بی نیاز است). (سوره آل عمران-97)

و رسول خدا (ص) فرموده است:

(( مَنْ حَجَّ لِلَّهِ فَلَمْ يَرْفُثْ وَ لَمْ يَفْسُقْ رَجَعَ كَيَوْمِ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ ))

((کسی که برای خدا حج نمود، پس رفت) جماع و انگیزه بخشهای آن چون بوسه و لمس کردن به شهوت است) نکرد، و فسق (دشنام زدن و بد زبانی است) ننمود، باز می گردد از حج همانند روزی که مادرش او را زائیده است)). (به روایت بخاری و مسلم)

حج در لغت: قصد کردن است به سوی کار بزرگی.

و در اصطلاح شریعت: زیارت اماکن مخصوصی است در وقت مخصوصی بر وجه مخصوصی.

امت اسلام بر فرضیت حج اجماع کرده اند، واحدی از مسلمانان در فرضیت آن اختلافی ندارد.

### شرطهای فرضیت حج

حج یکبار در عمر بر هر فردی اعم از مرد یا زن، فرض عین است، در صورتی که در آن فرد شرطهای آتی فراهم بوده باشند:

- 1- اینکه مسلمان باشد، پس حج بر کافر فرض (عدم وجوب در این بحث به معنای عدم فرضیت و لزوم است) نیست.
- 2- اینکه بالغ باشد، پس حج بر کودک فرض نیست.
- 3- اینکه عاقل باشد، پس حج بر دیوانه فرض نیست.
- 4- اینکه آزاد باشد، پس حج بر برده فرض نیست.
- 5- اینکه توانا و دارای استطاعت باشد، پس حج بر کسی که استطاعت ندارد فرض نیست. و معنای استطاعت این است که شخص افزون بر نفقه خانواده خویش در مدت غیاب خویش، مالک توشه راه و مرکب راه باشد.

### شرط های وجوب اداء حج

اداء حج واجب نمی گردد مگر آنگاه که شرطها آتی موجود گردند:

1- سلامت بدن؛ پس اداء حج بر شخص زمین‌گیری که به علت درد و علتی از راه رفتن باز مانده است، و بر شخص فلج شده، و بر شیخ فانی‌ای که قادر بر سفر کردن نیست، واجب نمی‌باشد.

2- بر طرف شدن آنچه که مانع رفتن به حج است؛ پس اداء حج بر شخص زندانی، و شخصی که از سلطان و حاکمی بیم دارد که او را از حج منع می‌کند، واجب نیست.

3- ایمن بودن راه؛ پس اگر چنانچه راه ایمن نبود؛ اداء حج واجب نیست.

4- وجود شوهر یا محرمی در حق زن؛ برابر است که زن جوان باشد یا پیر (محرم: همانا کسی است که برای شخص ازدواج با آن حلال نیست، به سبب نسب یا خویشاوندی یا شیرخوارگی؛ همچون پدر، پدرکلان، کاکا، ماما، پدر شوهر، پسر، پسر پسر، برادر، پسر خواهر، و شوهر دختر).

پس اداء حج بر زن واجب نیست اگر چنانچه به همراه وی شوهر یا محرمی نبود.

5- عدم برپا بودن عده در حق زن؛ پس اگر چنانچه زن در عده طلاق، یا وفات شوهرش قرار داشت؛ اداء حج بر وی واجب نیست.

## شرطهای صحت اداء حج

اداء حج صحیح نیست مگر آنگاه که شرطهای آتی فراهم بوده باشند:

1- احرام: پس اداء حج بدون احرام صحیح نیست.

احرام: همانا نیت کردن حج است به همراه تلبیه گفتن از جای میقات، و بیرون آوردن جامه دوخته شده و پوشیدن جامه دوخته نشده است برای مرد. و مستحب است که این جامه دوخته از ازار (جامه‌ای که بر کمر بسته می‌شود و پاها را می‌پوشاند) و ردائی (دوش انداز یا پتو) باشد.

تلبیه این است که بگوید: (لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، انْ الْحَمْدَ وَالنَّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ) (ترجمه: فرمانت را اجابت می‌گویم، ای بار الهی، فرمان پذیرم، فرمان پذیر توام که شریکی مر تو را نیست، فرمان پذیر توام، بی گمان ثنا و سپاس و نعمت و فرمانروائی تو را نیست، شریکی برای تو نیست).

2- وقت مخصوص: پس اداء حج قبل از ماه‌های حج، یا بعد از آن صحیح نیست.

و ماه‌های حج عبارت‌اند از: شوال، ذی‌القعدة، و ده روز از ماه ذی‌الحجه، پس هر کس قبل از فرا رسیدن این ماه‌ها برای حج طواف یا سعی کرد، از جای حج آن صحیح نیست. و احرام بستن قبل از ماه‌های حج صحیح است- به همراه کراهت.

3- اماکن مخصوص: و آن عبارت است از سرزمین عرفات برای وقوف، و مسجد الحرام برای طواف زیارت.

پس اگر وقوف به عرفه در وقت آن فوت گردید، اداء حج صحیح نیست.

و همچنین اداء حج صحیح نیست اگر چنانچه طواف زیارت بعد از وقوف به عرفه فوت گردید.

## میقات احرام

میقات: مکانی است که برای شخص آفاقی (کسی که در خارج از مکه مکرمه سکونت دارد) گذشتن از آن بدون احرام جواز ندارد- اگر چنانچه قصد حج را داشت.

میقاتهای احرام با اختلاف جهت‌ها مختلف می‌شود:

پس میقات مردم یمن و هند: یَلْمَم است(کوهی از کوه‌های تهامه است بر دو منزلی مکه مکرمه).

و میقات مردم مصر و شام و المغرب: جُحْفَه است( نام قریه ای میان مکه و مدینه منوره در نزدیکی رابع ).

و میقات مردم عراق، و سائر مردم مشرق زمین: ذات عرق ( نام قریه بر دو منزلی مکه مکرمه) است.

و میقات مردم مدینه منوره: ذو الحلیفه است(محل چشمه آبی است از بنی جشم در نه منزلی مکه مکرمه ).

و میقات مردم نجد: قرن است( کوهی است مشرف بر عرفات).

پس هر کس که به میقاتی از این میقاتها گذر کرد یا از برابری آنها آمد، در صورتی که قصد حج را داشت احرام بستن بروی واجب است، و برای آن جواز ندارد که از آنها بدون احرام بگذرد.

و میقات مردم مکه: خود مکه است، چه شخص از شهروندان مکه و ساکنان اصلی آن باشد، یا در آن اقامت داشته باشد.

و میقات کسی که بعد از میقات جاها و قبل از مکه سکونت دارد: سرزمین حلّ است( مابین میقات جاها و حدود حرم است).

پس چنین کسی از منزلش، یا از هر مکانی- قبل از حدود حرم- که می خواهد احرام ببندد.

## ارکان حج

حج فقط دارای دو رکن است:

1- وقوف (درنگ کردن) به سرزمین عرفه از هنگام زوال روز نهم ذی الحجه تا بامداد روز نحر (دهم ذی الحجه، روز عید قربان).

و وقوف فرض شده در عرفه؛ با وقوف يك لحظه در میان این دو وقت تحقق پیدا می کند.

2- طواف نمودن پیرامون کعبه به تعداد هفت شوط (بار یا مرتبه) بعد از وقوف به عرفه. و این طواف؛ طواف زیارت، و نیز طواف إفاضه نامیده می شود.

## واجبات حج

واجبات حج بسیار است، از آن جمله می باشد:

1- احرام بستن از محل میقات.

2- وقوف (درنگ کردن) به مزدلفه اگر چه يك ساعت باشد، و وقت آن بعد از نماز صبح تا طلوع خورشید روز دهم ذی الحجه است.

3- انجام دادن طواف زیارت در ایام نحر (روزهای تشریق).

4- هفت بار سعی کردن میان صفا و مروه، و آغاز سعی از صفا و پایان آن به سوی مروه است.

5- طواف صدر برای غیر اهالی مکه. و این طواف؛ طواف وداع نیز نامیده می شود.

6- اینکه بدنبال هر طوافی دو رکعت نماز بگزارد.

7- زدن جمرات سه گانه در روز های نحر (تشریق).

8- تراشیدن یا کوتاه کردن موی سر در سرزمینی حرم، و در ایام نحر (قربانی).

9- پاک بودن از حدث اصغر و حدث اکبر در حال انجام دادن طواف و سعی.

10- ترك محظورات (ممنوعات) احرام؛ چون پوشيدن جامه دوخته شده، و پوشاندن سر، و روي، و كشتن شكار، و جماع و مقدمات آن- چون بوسه زدن و لمس كردن به شهوت- و دشنام دادن، مشاجره كردن و جار و جنجال راه انداختن.

## سنت هاي حج

در حج سنتهاي بسيار است، از آن جمله سنت هاي آتي است:

- 1- غسل نمودن، يا وضوء گرفتن در هنگام احرام بستن.
- 2- پوشيدن ازار، و رداء سفيد نو يا شسته شده اي.
- 3- گزاردن دو ركعت نماز بعد از نيت احرام.
- 4- تلبيه گفتن بسيار.
- 5- طواف قدوم براي غير اهالي مكه مشرفه.
- 6- اينكه در مدت اقامت خويش در مكه مشرفه بسيار طواف نمايد.
- 7- اضطباع: و آن اين است كه قبل از شروع كردن در طواف يك طرف رداء (پتوي) خويش را در زير بغل راست خويش قرار داده و طرف ديگر آنرا بر شانه چپ خويش بيندازد.
- 8- رمل نمودن در طواف: و آن اين است كه در سه شوط اول از طواف، قدم ها را نزديك به هم برداشته و هر دو شانه خويش را بجنباند.
- 9- هروله نمودن در سعي: و آن اين است كه در رفتار خويش ميان دو ميل سبز در محل سعي بين صفا و مروه، در هر شوطي از شوطها هفت گانه به بيشتر از حالت رمل بدود.
- 10- استلام حجر الأسود و بوسيدن آن در پايان هر شوط.
- 11- شب گزاردن در مني در ايام نحر.
- 12- هدي (ذبح حيواني) براي حاجي مفرد.

## محظورات حج ( محظورات: امور كه ممنوع است و جائز نمي باشد)

امور آتي براي مُحرم (شخص در حال احرام) جائز نيست، و پرهيز از آن لازم است تا حج وي ناقص يا فاسد نشود:

- 1- جماع كردن و انگزيه بخشهاي آن.
- 2- ارتكاب فعلي حرام
- 3- دشنام دادن به همدیگر يا مرافعه و مناقشه نمودن.
- 4- استعمال نمودن خشبويي.
- 5- کوتاه كردن ناخن.
- 6- پوشيدن جامه دوخته شده براي مرد؛ همچون پيراهن، شلوار، جُبَّه (لباس گشادي كه بر روي لباسها پوشند)، و موزه.
- 7- پوشاندن سر يا رخسار با هر پوشاننده متعارفي.
- 8- پوشاندن زن روي و هر دو دست خويش را.
- 9- ستردن و دور ساختن موي سر، يا ريش، يا موي زير بغل، يا موي ظهار.
- 10- روغن ماليدن به موي، يا به بدن.
- 11- قطع درختان حرم، يا بيخ كن ساختن گياهان آن.
- 12- كشتن شكار وحشي بياباني، چه خوردني باشد، يا غير خوردني.

## کیفیت اداء حج

هر کس اراده حج را داشت پس باید در ماه های حج به سوی مکه مشرفه رحلت کند، پس چون به میقات یا به برابری آن رسید، غسل کند، یا وضوء سازد و جامه دوخته شده خویش را از تن بیرون کرده و ازار و ردائی را بپوشد، آنگاه دو رکعت نماز بگزارد و نیت حج را نموده تلبیه بگوید با این عبارت:

(لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، اِنِ الْحَمْدُ وَالنَّعْمَةُ لَكَ وَالْمُلْكُ، لَا شَرِيكَ لَكَ) (ترجمه آن گذشت) پس چون تلبیه گفت؛ احرام بسته است و محرم گردیده است، و از همان لحظه باید از هر امر ممنوعی از محظورات حج بپرهیزد، و باید به دنبال همه نمازها و همچنین هر زمانی که به مکان بلندی بالا می رفت، یا به مکان پایینی فرود می آمد، یا با کاروان و قافله ای روبرو می شد، یا از خواب بیدار می گردد، بسیار تلبیه بگوید، پس چون به مکه مشرفه رسید اعمال حج یا عمره را از زیارت مسجد الحرام آغاز نماید، و چون بیت الحرام را دید تکبیر (الله اکبر) و تهلیل (لا اله الا الله) بگوید، سپس از حجر الأسود آغاز نموده تکبیر و تهلیل گویان روبه سوی آن کند، و حجر الأسود را استلام نماید (استلام آنست که هر دو دست خویش را بر حجر الأسود احاطه نموده و دهان خویش را در میان آن بنهد و آنرا بدون آواز بیوسد، و اگر چنین کرده نتوانست هر دو دست خویش را به سوی حجر الأسود نموده و کف دستهای خویش را بیوسد.) و بیوسد- اگر چنانچه بر این کار قادر بود، و در غیر آن آنرا با اشاره استلام نماید، سپس از جانب راست حجر الأسود شروع به طواف نموده و هفت شوط (دور) بر گرداگرد خانه کعبه طواف نماید، در شوطهای سه گانه اول رَمَلَ (نموده، و در بقیه شوطها با آرامش و وقار راه رود، و طواف خویش را از پشت سر حطیم قرار دهد، و هر باری که از نزد حجر الأسود می گذشت آنرا استلام نماید، و طواف را با استلام ختم کند، آنگاه دو رکعت نماز بگزارد، و این طواف به نام طواف قدوم نامیده می شود، و سنت است. سپس به سوی صفا برود، پس بر آن بالا شود و روبه قبله نموده تکبیر و تهلیل بگوید، و بر رسول خدا (ص) درود بفرستد، و به بارگاه خدای تبارک و تعالی دعاء کند، آنگاه از صفا فرود آمده روبه سوی مروه آورد، پس بر مروه بالا رود و چنان کند که بر صفا می کرد. در این هنگام یک شوط آن به پایان رسیده است، سپس بار دیگر به سوی صفا بر گردد و از آن به سوی مروه، و این چنین هفت بار این حرکت دوسویه را انجام دهد و سعی را به اتمام برساند. در راه رفتن میان دو مل سبز (میلین اخضرین) در هر شوطی از شوطهای هفت گانه تند و سریع بالا تر از حد رمل بدود.

پس چون روز هشتم ذی الحجه فرا رسید نماز بامداد را به مکه مشرفه بخواند، آنگاه به سوی منی حرکت کند و در آن اقامت گزیند، و این شب را در آن بگذراند، و بعد از طلوع خورشید روز نهم- و آن روز عرفه است- از منی به سوی عرفات انتقال کند، و در عرفات وقوف (درنگ) نماید- تکبیر و تهلیل گویان، و درود گویان بر رسول اکرم (ص) و دعاء کنان، و پس از زوال خورشید امام به مردم دو نماز ظهر و عصر را در وقت ظهر با یک اذان و دو اقامت بگزارد، و حاجی وقوف خویش به عرفه را تا غروب خورشید استمرار دهد، آنگاه در راه خود به سوی مکه بر گردد، و به مزدلفه فرود آید، و شب نحر (عید قربان) را در آن بگذراند، و امام دو نماز مغرب و عشاء را در وقت عشاء با یک اذان و یک اقامت با مردم بگزارد، پس چون بامداد روز دهم طلوع کرد- و آن روز عید قربان است- امام به مردم نماز صبح را در تاریکی بگزارد، سپس امام و مردم همراه وی بایستند و دعاء کنند، آنگاه قبل از طلوع خورشید به سوی منی حرکت کند، پس چون به نزد جمره عقبه رسید آنرا با هفت سنگ ریزه بزنند، و با

اولین سنگریزه ای که به سوی آن می زند تلبیه را قطع کند، سپس اگر می خواهد قربانی ای را ذبح نماید، آنگاه سر خویش را بتراند، یا کوتاه نماید، سپس در خلال روزهای سه گانه نحر (روزهای قربانی) به سوی مکه مشرفه برود- برای انجام دادن طواف زیارت- آنگاه به سوی منی برگردد و در آن اقامت گزیند.

پس چون خورشید روز یازدهم زوال کرد جمره های سه گانه را بزند، از جمره اولی ای که نزدیک مسجد خیف است آغاز نماید پس آنرا با هفت سنگریزه بزند، در هنگام زدن هر سنگریزه تکبیر بگوید، سپس در برابر آن جمره بایستد و دعاء کند، آنگاه جمره میانی را بزند و در نزد آن بایستد، و در اخیر جمره عقبه را بزند اما در نزد آن نیستد، پس چون خورشید روز دوازدهم ذی الحجه زوال کرد، جمره های سه گانه را مانند آنچه که در روز قبل انجام داده است بزند، و در ایام زدن جرمت، در منی شب بگذراند، سپس به سوی مکه مشرفه به راه افتد و در میان راه ساعتی و در منحصب فرود آید، آنگاه داخل مکه مشرفه شود، و به خانه کعبه هفت شوط بدون رمل و بدون سعی طواف کند، و این طواف؛ طواف وداع، و همچنین طواف صدر نامیده می شود، و بعد از طواف دو رکعت نماز بگزارد، آنگاه به نزد چاه زمزم آمده و از آب آن به حال ایستاده بنوشد، سپس به ملتزم آید و به سوی خداوند تبارک و تعالی زاری و تضرع نماید و هر آنچه می خواهد دعاء کند. و آنگاه که اراده بازگشتن به سوی خانواده خویش را داشت برای او لازم است تا گریه کنان و حسرت خوران بر فراق بیت باز گردد.

## حج قران

قران در لغت: به معنای جمع کردن میان دو چیز است. و معنای آن در اصطلاح شرع این است که: شخص از میقات برای عمره و حج هر دو احرام بپندد.

حج قران در نزد ما از حج **تَمَتُّع** افضل است.

و حج تمتع از حج افراد (حج مفرد) افضل است.

برای حاجی قران که حج و عمره را با هم پیوست می سازد سنت است که در هنگام نیت کردن حج چنین بگوید: (اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ الْعُمْرَةَ وَالْحَجَّ فَيَسِّرْهُمَا لِي وَ تَقَبَّلْهُمَا مِنِّي) (بار الهی! من عمره و حج را هر دو باهم اراده دارم، پس آنرا بر من آسان گردان و آن دو را از من بپذیر.)، آنگاه تلبیه بگوید.

پس چون حاجی قران به مکه مکرمه داخل شد، به طواف عمره آغاز نماید در هفت شوط، با رمل نمودن و شوطهای سه گانه اول فقط، آنگاه دو رکعت برای طواف بگزارد، سپس میان صفا و مروه سعی نماید، و در میان دو میل سبز هروله کند (بدود)، و هفت شوط را تکمیل نماید، و این افعال عمره است. آنگاه به اعمال حج شروع کند، پس برای حج طواف قدوم را انجام دهد، و آنگاه اعمال حج را با تفصیلی که گذشت به اتمام رساند.

پس چون در روز عید قربان جمره عقبه را زد، بروی واجب است تا گوسفندی را، یا یک هفتم بدنه ای را ذبح نماید (یک هفتم بدنه جزئی از هفت جزء آن است و بدنه عبارت از شتر، گاو است). پس اگر هدی (حیوانی) را برای ذبح کردن نیافت، سه روز قبل از عید قربان و هفت روز بعد از فارغ شدن از افعال حج روزه بگیرد، و او در گرفتن این هفت روز صاحب اختیار است، اگر می خواست بعد از ایام تشریق در مکه روزه بگیرد، و اگر هم می خواست بعد از بازگشت به سوی خانواده اش روزه بگیرد.

## تَمَتُّع

تَمَتُّع: عبارت است از اینکه شخص از میقات فقط برای عمره احرام ببندد، پس بعد از خواندن دو رکعت احرام بگوید: (اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ الْعُمْرَةَ فَيَسِّرْهَا لِي وَتَقَبَّلْهَا مِنِّي) (بارالهی! من اراده انجام عمره را دارم، پس برایم آنرا آسان گردان و آنرا از من بپذیر)، آنگاه تلبیه بگوید، پس چون به مکه مکرمه داخل گردید برای عمره طواف نماید و با شروع طواف تلبیه را قطع کند، و در سه شوط اول رمل کند، آنگاه دو رکعت طواف را بگذارد، سپس در بین صفا و مروه هفت شوط سعی کند و سرش را بتراشد یا کوتاه نماید، و در این هنگام از احرام حلال می شود، این در صورتی است که هدیه (حیونی) را به سوی مکه روان نساخته باشد. اما اگر چنانچه هدیه را روان ساخته بود، از عمره خویش حلال نمی شود. پس چون روز هشتم از ذی الحجه فرا رسید از سر زمین حرم برای حج احرام ببندد، و افعال حج را به جای آورد.

پس چون جمره عقبه را در روز عید قربان زد، بر او ذبح نمودن گوسفندی، یا شریک شدن در یک هفتم بدنه ای لازم گردیده است.

و اگر گوسفندی را ذبح کرده نتوانست سه روز قبل از روز عید قربان و هفت روز بعد از فارغ شدن از افعال حج روزه بگیرد، اما اگر سه روز را روزه نگرفت تا آنکه روز عید قربان فرا رسید، ذبح نمودن یک گوسفند یا شریک شدن در یک هفتم بدنه ای بر او متعین گردیده است، و دیگر روزه گرفتن و صدقه دادنی از وی صحت ندارد (یعنی جای ذبح را نمی گیرد).

## عُمْرَه

انجام دادن عمره یک بار در عمر سنت مؤکده است، اگر چنانچه شرطهای وجوب اداء حج وجود گردید.

انجام دادن عمره در تمام سال صحیح است.

احرام بستن برای عمره در روز عرفه و روز عید قربان، و روزهای تشریق مکروه است. افعال عمره چهار چیز است:

1- احرام.

2- طواف.

3- سعی بین صفا و مروه.

4- تراشیدن موی و یا کوتاه کردن آن.

پس کسی که اراده عمره را دارد باید که به سر زمین حِلّ برود (بهترین سرزمین حِلّ: بعد از آن جعرانه)، اگر چنانچه به مکه بود، برابر است که او از اهالی مکه باشد، یا که در آن اقامت گزیده باشد، و باید برای عمره احرام ببندد.

اما کسی که از مکه دور است و هنوز به مکه داخل نشده است، پس او از میقات احرام ببندد، اگر چنانچه قصد داخل شدن به مکه را داشت، سپس طواف کند و برای عمره سعی انجام دهد، آنگاه سرش را بتراشد، یا کوتاه کند، و در این هنگام از عمره حلال گردیده است.

## جنایات و جزاء آنها

جنایت: عبارت است از ارتکاب آنچه که از آن در حرم نهي به عمل آمده است.

جنایت بر دو قسم تقسیم می شود:



- 1- جنایت بر حرم.
- 2- جنایت بر احرام.

## جنایت بر حرم

جنایت بر حرم عبارت از آن است که کسی قصد شکار حرم را بنماید؛ با کشتن شکار، یا اشاره نمودن به سوی شکار، یا رهنمائی کردن بر شکار، یا اینکه کسی به درخت حرم یا گیاه آن تعرض نماید؛ با قطع کردن یا ریشه کن ساختن آن، پس این جنایت بر حرم است، چه آنرا شخص محرمی مرتکب گردد، یا شخص حلالی، و بر هر يك از این دو جزاء تعلق می گیرد: اگر کسی صید بیابانی وحشی حرم را شکار کرد، و آنرا ذبح نمود؛ پس خوردن آن جایز نیست، و آن حیوان ذبح شده، مردار به حساب می آید، چه آنرا شخص محرم صید کرده باشد، یا شخص حلالی.

اگر شخص حلالی صید حرم را شکار کرد، پس قیمت آن بر او واجب است و باید آنرا بر فقراء صدقه نماید، و روزه گرفتن جانشین قیمت آن شده نمی تواند.

اگر درخت حرم یا گیاه آنرا قطع کرد، بر او پرداخت قیمت آن به فقراء واجب است، چه آن شخص محرم باشد یا حلال.

اما اگر گیاه حرم را برای نصب نمودن خیمه یا حفر نمودن دیگدان قطع کرد پس این جائز است، زیرا پرهیزکردن از آن ممکن نیست.

xxx

## جنایت بر احرام

جنایت بر احرام عبارت از آن است که شخص محرم در حال احرام خویش مرتکب محظوری از محظورات حج گردد، یا واجبی از واجبات آنرا ترك نماید.

جنایت بر احرام به شش قسم تقسیم می شود:

اول: جنایاتی که ارتکاب آن حج را فاسد می گرداند، و فساد آن نه با دم جبران می شود (ذبح گوسفند یا یک هفتم حصه از هفت حصه شتر با گاو است)، نه به روزه گرفتن، و نه به صدقه دادن، و این جنایت عبارت است از جماع کردن قبل از وقوف به عرفه.

پس کسی که قبل از وقوف به عرفه جماع کرد حج آن فاسد گردیده و بر وی ذبح گوسفندی واجب شده است، چنانکه بروی قضاء آوردن حج در سالی از سالهای آینده واجب است.

دوم: جنایاتی که با ارتکاب آن بدنه (شتر یا گاوی که ذبح آن در قربانی روا باشد) واجب می گردد، و آن دو چیز است:

1- جماع کردن بعد از وقوف به عرفه قبل از سر تراشیدن.

2- انجام دادن طواف زیارت در حال جنابت.

پس کسی که بعد از وقوف به عرفه قبل از سر تراشیدن جماع کرد، بروی ذبح شتر یا ذبح گاوی واجب گردیده است.

همچنین کسی که طواف زیارت را در حال جنابت انجام داد؛ بروی ذبح شتر، یا ذبح گاوی واجب است.

سوم: جنایاتی که با ارتکاب آن دمی (گوسفندی، یا يك هفتم بدنه ای) واجب می گردد، و آن در چند امر آتی است:

1- اگر فعلی از مقدمات و دواعی جماع را مرتکب گردید؛ همچون بوسیدن و لمس کردن به

شهوة.

2- اگر مرد بدون عذر جامه دوخته شده ای را پوشید.

اما زن هر چه را که می خواهد به پوشد، مگر اینکه او نباید روی خود را با پوشاننده ای که رخ آن چسبیده باشد بپوشاند.

3- اگر موی سر خویش، یا موی ریش خویش را بدون عذری برکنند یا تراشید (اما اگر چنانچه سرش را به جهت عذری تراشید، مانند اینکه حشرات مؤذی بر سرش پیدا شده بود، پس او مختار است، اگر می خواهد گوسفندی را ذبح کند یا سه روز روزه بگیرد یا شش مسکین را طعام کند، برای هر نفر مسکین نصف صاع «یک صاع معادل سه کیلو و شصت گرام است» از گندم یا قیمت آن).

4- اگر شخص محرم به مدت يك روز کامل رویش را پوشانید.

5- اگر شخص محرم عضو کاملی از اعضاي بدن خود همچون ران، ساق، بازو، روی، و سر را بدون عذری خوشبوی زد، با هر نوعی از انواع خوشبویی که باشد.

همچنین اگر جامه ای را که به خوشبویی معطر ساخته شده بود به مدت يك روز کامل پوشید.

6- اگر ناخنهای يك دست خود، یا يك پای خود را کوتاه کرد.

7- اگر طواف صدر را ترك نمود.

چهارم: جنایتي که با ارتکاب آن صدقه ای واجب می گردد که اندازه آن نصف صاع از گندم، یا قیمت آن است، و این جنایت نیز در چند امر است:

1- اگر شخص محرم کمتر از يك چهارم سر، یا کمتر از يك چهارم ریش خود را تراشید.

2- اگر شخص محرم يك ناخن یا دو ناخنش را کوتاه کرد، پس برای هر ناخنی باید نصف صاع از گندم یا قیمت آن را صدقه بدهد.

3- اگر شخص محرم کمتر از يك عضو را خوشبویی زد.

4- اگر شخص محرم جامه دوخته شده، یا جامه خوشبو ساخته شده ای را کمتر از يك روز پوشید.

5- اگر شخص محرم سر یا روی خویش را کمتر از يك روز پوشانید.

6- اگر شخص محرم در حال يکه به حَدَث اصغر ( ) بی وضوء بود طواف قدوم را انجام داد. همچنین اگر در حال حدث اصغر طواف صدر را انجام داد.

7- اگر زدن سنگریزه ای از یکی از سنگریزهای سه گانه را ترك نمود.

پنجم: جنایتي که با ارتکاب آن صدقه ای واجب می گردد که اندازه آن کمتر از نصف صاع است.

و آن در صورتهای آتی است: اگر شپش یا ملخی را کشت، پس هر چه می خواهد صدقه بدهد. و اگر دو شپش یا دو ملخ یا سه عدد از این دو نوع را کشت، يك مشت از طعام صدقه بدهد. و

اگر بر این افزود نصف صاع از گندم صدقه بدهد.

ششم: جنایتي که با ارتکاب آن قیمت واجب می گردد، و آن عبارت از: کشتن شکار بیابانی وحشی است.

اگر شخص محرم صیدی از حیوانات بیابانی وحشی را شکار کرد، یا آنرا ذبح کرد، یا به سوي آن اشاره کرد، یا شکارچی را بر مکان صید راهنمایی کرد، پس قیمت آن بر او واجب گردیده

است، برابر است که صید خوردنی باشد یا غیر خوردنی.

صید را دو شخص عادل در مکانی که در آن شکار نموده است یا در مکانی نزدیک به آن قیمت گذاری نمایند.

پس اگر قیمت صید به بهای يك هدي (حيوان قرباني) رسید، شخص محرم مختار است؛ اگر میخواهد هدي را خريداري نموده و آن را در سر زمین حرم ذبح نماید، و اگر مي خواهد طعامي را خريداري نموده آن را بر فقراء صدقه کند؛ براي هر فقيري نصف صاع، و اگر مي خواهد بجاي هر نصف صاعي يك روز روزه بگیرد.

و اگر قیمت صید به اندازه بهاء يك هدي نرسید پس او مختار است؛ اگر مي خواهد طعامي را خريداري نموده و آنرا صدقه دهد، و اگر هم مي خواهد به جاي هر نصف صاع يك روز كامل روزه بگیرد.

و بر محرم در کشتن حشرات موزي؛ همچون زنبور، عقرب، مگس، مورچه، و پروانه چيزي نيست. همچنين بر محرم در کشتن مار و موش و زاع و سگ درنده چيزي نيست.

## هدي

هدي: عبارت است از حيواني که براي حرم اهداء مي گردد.

و هدي از گوسفند، گاو، و شتر مي باشد.

اهداء گوسفند از جاي يك نفر صحت دارد.

اهداء شتر و گاو از جاي هفت نفر صحت دارد، به شرط اينکه سهم هر يك از آنان کمتر از يك هفتم حصه آن نباشد.

و در هدي همان اموري شرط است که در قرباني شرط است؛ چون اين شرط که حيوان بايد از عييبها سالم بوده باشد ( ).

فقط اهداء آن گوسفندي جواز دارد که يك سال كامل را به پايان آورده باشد، و در سال دوم داخل گرديده باشد.

و ميش از اين حکم مستثني است، اگر چنانچه از نصف سال گذشته بود، و بگونه اي چاق بود که به دليل چاقی آن بين او و بين گوسفندي که يكسال را تکميل کرده بود فرق گذاشته نيم شد، پس اهداء آن جائز است.

و از گاو هدي جواز ندارد مگر آنچه که دو سال را كامل نموده و در سال سوم داخل شده باشد. و هدي از شتر جواز ندارد، مگر آنچه که پنج سال را كامل نموده و در سال ششم داخل شده باشد.

هدي نافله و هدي قران و هدي تمتع بعد از زدن جمر هعقبه در ايام نحر (ايام قرباني) ذبح گردد.

و ذبح بقيه هدايا مقيد به زمان مخصوصي نيست.

و هر هدي از هدايا در سر زمین حرم ذبح مي شود.

و ذبح کردن هدايا در مني در ايام نحر مسنون است.

براي صاحب هدي مستحب است که از هدي خویش بخورد، اگر چنانچه هدي آن براي حج نافله يا حج قران يا حج تمتع بود.

و همچنين براي شخص غني نیز جواز دارد که از هدي حج نافله و حج قران و حج تمتع خویش بخورد.

اما اگر هدي حج نافله در راه هلاک گرديد پس نه صاحب آن و نه شخص غني ديگري از آن نخورد، بلکه فروگذاشتن لاشه ذبح شده آن بعد از آنکه گردنبندها با خون آن آميخته شود، واجب مي باشد.

خوردن از هدي نذر جواز ندارد، نه براي صاحب هدي و نه براي شخص غني ديگري، زيرا

که آن صدقه می باشد و حق فقراء است.  
و خوردن از هدی جنایات جواز ندارد، نه برای صاحب هدی و نه برای شخص دیگری، و آن هدی است که برای جبران نقصی که در حج واقع گردیده، واجب شده است.

## بیان اِحْصَار

اِحْصَار در لغت: باز داشتن است از چیزی، و در اصطلاح شرع: همانا بازداشته شدن است از عمره یا حج به سبب مانعی چون بیماری یا وجود دشمن یا غیره.  
کسی که به سبب وجود دشمن یا به سبب بیماری ای از رسیدن به خانه خدا باز داشته می شود، باید گوسفندی را بفرستد تا از جای وی ذبح کرده شود، آنگاه خود را حلال گرداند، و اگر حاجی قران بود دو دم را بفرستد.  
و این حیوانی را که می فرستد باید در سرزمین حرم ذبح شود، و ذبح آن مقید به روز عید نیست.

و کسی که از رسیدن به حج در حصار و مانع قرار می گیرد لازم است که خود را حلال گرداند، آنگاه بر وی یک حج و یک عمره قضای است، و کسی که از عمره در حصار قرار می گیرد بر وی فقط یک عمره قضایی است، و بر حاجی قران که در حصار قرار می گیرد یک حج و دو عمره است.

پس اگر شخص محصر حیوان را فرستاد، سپس احصار از وی بر طرف شد، اگر بر سوق دادن حیوان هدی و انجام حج قادر گردید، باید به سوی حج متوجه شود، و در غیر آن خیر. و بعد از وقوف به عرفه احصاری نیست.  
و هر کس در خود مکه از انجام دادن دو رکن حج باز داشته شد پس او محصر است.

## حکم انجام حج از جای کسی دیگر

نائب گرفتن در عبادات مالی در هنگام عجز و قدرت هر دو جاری می شود، اما در عبادات بدنی نائب گرفتن به هیچ حالی جائز نیست.  
و در عباداتی که مرکب از هر دو اند، یعنی هم بدنی و هم مالی می باشند، نائب گرفتن فقط در هنگام ناتوانی و عجز جاری می شود.  
و شرط؛ نا توانی دائم و همیشگی تا وقت مرگ است.  
و شرط عجز و ناتوانی برای نائب گیرنده فقط محدود به حج فرض است نه حج نفل، زیرا در حج نفل نیابت در حال قدرت و عجز هر دو جواز دارد.  
و هر کس از جای دو کس احرام بست، پس توان هزینه حج هر دو کس بر عهده وی است، و حج وی هم به نیابت از هیچ کدام صحیح نیست، بلکه حج از جای خود وی صحت پیدا می کند.  
و دم احصار بر نایب گیرنده است، دم قران و جنایت بر نائب.

## زیارت نبی اکرم (ص)

رسول خدا (ص) فرموده است: (مَنْ زَارَ قَبْرِي وَجَبَتْ لَهُ شَفَاعَتِي) - هر کسی قبر من را زیارت کرد، شفاعت من برایش واجب گردیده است). (به روایت طبرانی)  
و نیز رسول خدا (ص) فرموده است: (مَنْ حَجَّ الْبَيْتِ وَلَمْ يَزُرْنِي فَقَدْ جَفَانِي) - هر کس به حج بیت الله آمد اما مرا زیارت نکرد پس به تحقیق که به من جفا نموده است). (به روایت طبرانی)  
زیارت قبر نبی اکرم (ص) از افضل مستحبات است، پس کسی که خدای متعال او را برای

حج توفیق داد باید بعد از فراغت از حج یا قبل از آن جهت زیارت نبی اکرم (ص) به سوی مدینه منوره برود.

و باید که به دنبال نیت زیارت آن حضرت (ص) از درود و سلام برای شان بسیار بخواند، پس چون به مدینه منوره رسید، باید غسل کند، و خوشبویی استعمال نماید، و باید که نیکو ترین جامه خویش را به قصد بزرگداشت شرفیابی به زیارت نبی اکرم (ص) بپوشد. و باید اولاً با تواضعی همراه با آرامش و وقار به مسجد شریف نبوی داخل شود و آنگاه جهت تحیه مسجد دو رکعت نماز بخواند و هر آنچه می خواهد دعاء کند، آنگاه متوجه قبر شریف آن حضرت (ص) گردیده و در برابر آن با خشوع و با رعایت حدود ادب بایستد، و باید که بر ایشان سلام بگوید و درود بخواند، آنگاه سلام کسانی را که او را به این کار سفارش و وصیت نموده اند به آن حضرت (ص) برساند، سپس بار دیگر به مسجد شریف نبوی رفته و هر آنچه می خواهد نماز بخواند، و هر آنچه می خواهد در حق خود و پدر و مادر خود و در حق مسلمانان و در حق آنانی که او را به این کار سفارش نموده اند دعاء نماید، و باید که اقامت خویش را به مدینه منوره مغتنم شمارد، و در زنده داشتن شبها و در زیارت نبی اکرم (ص) هر آنگاه که فرصتی یافت جد و جهد تمام نماید، و باید تکرار تسبیح و تهلیل و استغفار و توبه را بسیار گرداند.

و برای او رفتن به گورستان بقیع مستحب است، تا قبرهای صحابه و تابعین و صالحین رضوان الله علیهم اجمعین را زیارت نماید.

و برای او مستحب است که همه نماز او را در مسجد نبوی بخواند تا آنگاه که در مدینه منوره است، و چون اراده بازگشت به سوی وطن خویش را کرد، برای او مستحب است تا با خواندن دو رکعت نماز با مسجد نبوی وداع نماید، و هر آنچه می خواهد دعاء کند، و به نزد قبر رسول اکرم (ص) آمده و بر ایشان درود بخواند و سلام بگوید، آنگاه گریان بر فراق آن حضرت (ص) باز گردد.